

Methodological Requirements of Islamic Policy Design Facing Social Injuries

*Hossein Bostan (Najafi)**

Associate Professor, Department of Sociology, Research Institute and University, Qom

Email: hboostan@rihu.ac.ir

Abstract

This article tries to provide a clear picture of the methodological requirements of Islamic policy design in the face of social injuries by using the author's experiences during the implementation of a research project on chastity and hijab policies in Iran. To this end, it has separated the three main stages of the policy design process, namely problem analysis, philosophical and normative principles, and proposed policy analysis, and has tried to explain how Islamic themes influence each of these stages by giving examples. The first stage includes several axes that in at least two axes of expressing the problem and explaining the current situation, we can talk about the possibility of influencing Islamic themes in policy design. The second stage includes two axes: philosophical principles and normative principles, in which Islamic themes play a decisive role in almost all of them. The third stage also includes several axes which, although mainly based on empirical and statistical methods, sometimes we see the effect of Islamic themes in them, and that is in cases where the explanation of reasons for selection or capacities or obstacles to the proposed policy depends on explaining its relationship with Islamic views. has it.

Keywords: policy design, Islamic policy research, social injuries, sex, politics of chastity and hijab.

*. Date of Reception: 2021/09/16 , Date of Acceptation: 2021/10/27

ملزومات روش‌شناختی طراحی سیاست اسلامی مواجهه با آسیب‌های اجتماعی

حسین بستان (نجفی)*

دانشیار گروه جامعه‌شناسی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم

Email: hbostan@rihu.ac.ir

چکیده

این مقاله می‌کوشد با بهره‌گیری از تجارب نگارنده در خلال اجرای طراحی پژوهشی در زمینه سیاست‌های عفاف و حجاب در ایران، تصویر روشنی از ملزومات روش‌شناختی طراحی سیاست‌های اسلامی در مواجهه با آسیب‌های اجتماعی ارائه دهد. بدین منظور، سه مرحله اصلی فرایند طراحی سیاست یعنی تحلیل مسئله، بررسی مبانی فلسفی و هنجاری و تحلیل سیاست پیشنهادی را تفکیک کرده و کوشیده است چگونگی اثرگذاری مضامین اسلامی در هر یک از این مراحل را با ذکر نمونه توضیح دهد. مرحله نخست، شامل محورهای متعددی است که دست‌کم در دو محور بیان مسئله و تبیین وضعیت موجود می‌توان از امکان اثرگذاری مضامین اسلامی در طراحی سیاست سخن گفت. مرحله دوم، دو محور مبانی فلسفی و مبانی هنجاری را دربر می‌گیرد که مضامین اسلامی تقریباً در همه آن‌ها نقشی تعیین‌کننده دارند. مرحله سوم نیز شامل چندین محور است که هرچند اساساً مبتنی بر روش‌های تجربی و آماری‌اند، گاه تأثیر مضامین اسلامی را در آن‌ها شاهدیم و آن در مواردی است که توضیح دلایل انتخاب یا ظرفیت‌ها یا موانع اجرای سیاست پیشنهادی، بستگی به توضیح نسبت آن با دیدگاه اسلام دارد.

کلیدواژه: طراحی سیاست، سیاست پژوهی اسلامی، آسیب‌های اجتماعی، امر جنسی، سیاست عفاف و حجاب.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۰۵

مقدمه

طراحی سیاست، شامل بخش‌هایی از فرایندی چندمرحله‌ای است که سیاست‌پژوهان با اصطلاح چرخه سیاست‌گذاری^۱ از آن یاد می‌کنند. این اصطلاح که نخستین بار لاسول^۲ در سال ۱۹۵۶ با ارائه مدلی هفت مرحله‌ای وارد مباحث سیاست‌گذاری کرد، علاوه بر مراحل تدوین سیاست، مراحل اجرا و ارزشیابی را نیز در بر می‌گیرد، درحالی‌که طراحی سیاست به مراحل اشاره دارد که منجر به تدوین و آماده‌سازی بسته سیاستی می‌شوند و این بحث، ناظر به همین مفهوم اخیر است.

طراحی سیاست به مدلی برای هدایت فرایند پژوهش نیاز دارد و از این رو، مدل‌های مختلفی برای این منظور ارائه شده است که در اینجا مروری بر دو نمونه مدل‌سازی خطی خواهیم داشت.

نمونه نخست، مسیری را که به طراحی سیاست‌های اجتماعی می‌انجامد، در قالب مراحل شش‌گانه ذیل و با استفاده از مثالی فرضی از سیاست‌پردازی توسط یک سیاستمدار لیبرال ترسیم کرده است:

۱. این سیاستمدار می‌داند که حدوداً ۲۰ درصد از مردم کشورش زیر خط فقر زندگی می‌کنند (داده)؛

۲. او چنین وضعیتی را نامناسب و غیراخلاقی می‌یابد (قضاوت ارزشی)؛

۳. او در صدد رفع این بی‌عدالتی برمی‌آید (هدف)؛

۴. او این فرضیه را می‌پذیرد که آموزش، منبع همه سرمایه‌های اجتماعی در جامعه است و به‌علاوه، مفروض می‌گیرد که مردم خودشان فقر را انتخاب نکرده‌اند، بلکه فقر آن‌ها نتیجه پیدا نکردن شغل به دلیل فقدان مهارت‌های مورد نیاز است (فرضیه)؛

۵. وی هم‌چنین این فرضیه را مسلم می‌گیرد که آموزش و به‌طور خاص، برنامه‌های آموزش شغلی می‌تواند میزان فقر را به‌طور چشمگیر کاهش دهد (وسیله یا تکنیک)؛

۶. به این ترتیب، او احتیاج می‌کند که آموزش‌های پایه، یکی از سرمایه‌های عمومی است که باید توسط دولت تأمین شود (اصل عام یا هنجار سیاسی) (بانگ، ۱۹۹۸، ص ۳۳۵).

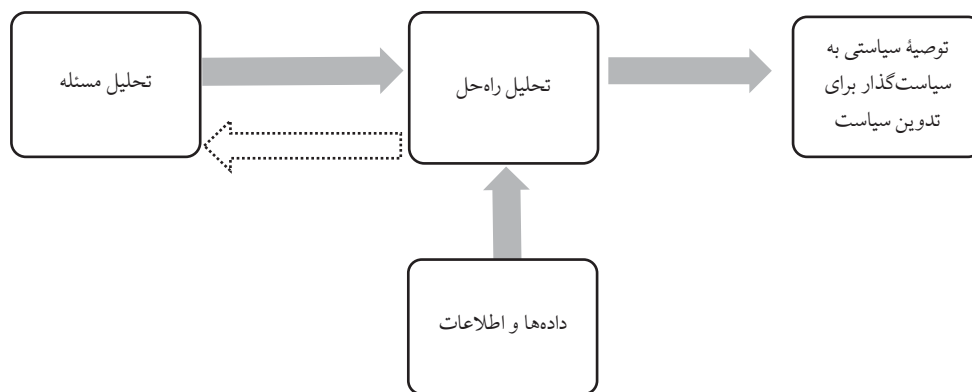
این مراحل شش‌گانه به‌طور خلاصه در مدل خطی ذیل نمایش داده شده‌اند:

داده‌های تجربی ← قضاوت‌های ارزشی ← اهداف ← فرضیه‌ها ← تکنیک‌ها ← اصول عام یا هنجارهای سیاسی

1. policy cycle.

2. Lasswell, Harold D.

نمونهٔ دوم دارای دو بخش اصلی، یعنی تحلیل مسئله و تحلیل راه‌حل است. این دو بخش، ارتباط تام با یکدیگر دارند، ضمن آن‌که یک بخش ضمیمه‌ای شامل داده‌ها و اطلاعات به شکل دائمی به غنی شدن بخش مربوط به تحلیل راه‌حل‌ها کمک می‌کند.



نمودار ۱: فعالیت تحلیل‌گر سیاست‌ها بر اساس مدل خطی

تحلیل مسئله، شامل سه گام است:

۱. شناخت مسئله؛

۲. مدل‌سازی [تبیینی]؛

۳. تشریح اهداف و محدودیت‌ها.

تحلیل راه‌حل، چهار گام را در بر می‌گیرد:

۱. انتخاب شاخص‌ها و ملاک‌هایی برای تبدیل اهداف به موارد عینی؛

۲. تعیین راه‌حل‌های مختلف سیاسی؛

۳. پیش‌بینی، ارزیابی و مقایسه تأثیرات سیاست‌های اندیشیده‌شده؛

۴. توصیهٔ راه‌حل نهایی.

بخش داده‌ها و اطلاعات، موارد ذیل را شامل می‌شود:

۱. شناسایی داده‌ها و اطلاعات مربوط؛

۲. سامان‌دهی داده‌ها و اطلاعات مربوط؛

۳. شناسایی نظریه‌های مربوط.

سرانجام، توصیه‌ی سیاستی به سیاست‌گذاران که از تحلیل سیاست‌ها به دست آمده، باید دارای ویژگی‌های ذیل باشد:

۱. مفید باشد؛

۲. اولویت‌ها در آن مشخص باشد؛

۳. واژه‌ها و اصطلاحات فنی در آن به‌روشنی تشریح شده باشند؛

۴. دارای بخش‌های مختلف با عناوین خاص هر بخش باشد (ملک‌محمدی، ۱۳۹۴، ص ۶۰-۶۴).

گفتنی است در این‌گونه مدل‌سازی‌ها قصد احصای همه‌ی عناصر دخیل در سیاست‌پردازی در میان نبوده و صرفاً اشاره به عناصری که حضور مستقیم و آشکارتری در سیاست‌پردازی دارند، مد نظر بوده است. شاهد این سخن آن است که طراحان این مدل‌ها خود به تأثیر انکارناپذیر فلسفه‌ها، دکترین‌ها و ایدئولوژی‌ها در تدوین سیاست‌ها تصریح کرده و برای مثال، تأثیر فلسفه‌ی فردگرایی و ایدئولوژی محافظه‌کاری اقتصاد نئوکلاسیک بر اجرای سیاست شوک درمانی که بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول از اجرای آن در کشورهای جهان سوم حمایت کرده‌اند (بانگ، ۱۹۹۸، ص ۴۰۸) را نشان داده‌اند.

به‌طور مشخص‌تر، مفروضات فراتجربی در باب طبیعت انسان و جامعه و نیز مبانی ارزشی و هنجاری پذیرفته‌شده توسط محقق به‌طور قطع، در جریان طراحی سیاست دخالت می‌کنند، گرچه محقق به آن‌ها تصریح نکند یا حتی به آن‌ها التفات نداشته باشد. در همین راستا، تأثیر قوانین و مقررات حقوقی و در خصوص حکومت دینی، تأثیر احکام فقهی بر سیاست‌پردازی‌ها کاملاً آشکار است. این تأثیر گاه جنبه‌ی ایجابی دارد، به این صورت که سیاست خاصی مثلاً از یک حکم فقهی استنتاج می‌گردد و گاهی به شکل سلبی است که در این حالت، به استناد عناصر مزبور، سیاست خاصی غیر قابل پذیرش اعلام می‌شود.

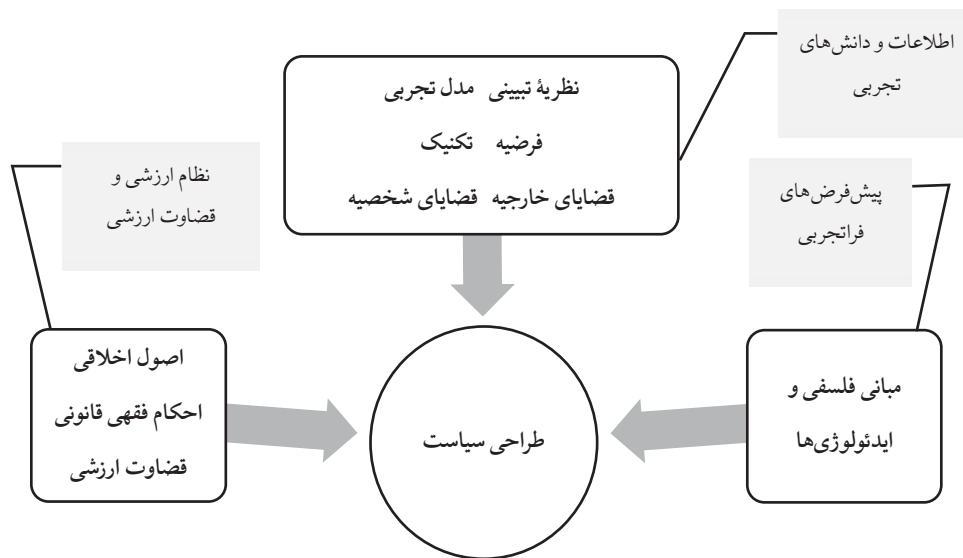
بنابراین، در طراحی سیاست‌ها باید منابع معرفتی و عناصر بیرونی مؤثر بر سیاست‌ها را در نظر گرفت. در این راستا می‌توان گفت: سیاست‌ها به‌طور کلی از سه منبع معرفتی تغذیه می‌شوند: اطلاعات و دانش‌های تجربی، پیش‌فرض‌های فراتجربی و احکام هنجاری که هر کدام عناصری را به شرح ذیل در بر می‌گیرند:

- مبانی فلسفی یا ایدئولوژیک که ذیل پیش‌فرض‌های فراتجربی قرار می‌گیرند؛

- شش عنصر نظریه، مدل، فرضیه‌ها، تکنیک‌ها، قضایای خارجی (از جمله گزاره‌های آماری) و قضایای شخصی

که از منبع اطلاعات و دانش‌های تجربی به دست می‌آیند؛

- سه عنصر ارزش‌ها، احکام فقهی و ارزش‌دآوری درباره موضوع مورد مطالعه که منبع سوم یعنی احکام هنجاری، آن‌ها را در بر می‌گیرد (بستان نجفی، ۱۳۹۰، ص ۱۸۰-۱۸۱).



نمودار ۲: منابع و عناصر طراحی سیاست

بر این اساس، فرایند طراحی سیاست در بردارنده نقاط متعددی است که می‌توانند با مضامین اسلامی تلاقی پیدا کنند و اگر قرار بر طراحی سیاست‌های اسلامی باشد، این امر زمانی امکان تحقق دارد که سیاست‌پژوهان نقاط مزبور را با رویکرد اسلامی طراحی و تدوین کنند.

این مقاله می‌کوشد با بهره‌گیری از تجارب نگارنده در خلال اجرای طرحی پژوهشی در زمینه سیاست‌های عفاف و حجاب در ایران، تصویر روشنی از ملزومات روش شناختی طراحی سیاست‌های اسلامی در مواجهه با انواع آسیب‌های اجتماعی ارائه دهد و به طور کلی به این پرسش پاسخ دهد که اگر قرار بر طراحی سیاست با رویکرد اسلامی باشد، چه الزاماتی از نظر روش‌شناسی باید رعایت شوند؟

بحث و بررسی

برای توضیح ملزومات روش شناختی طراحی سیاست‌های اسلامی، از تجربه طرح سیاست پژوهی عفاف و حجاب در ایران که ناظر به یکی از آسیب‌های اجتماعی مهم (کج‌روی‌های جنسی) بود، به‌عنوان الگو بهره

می‌گیریم. بدین منظور، باید به سه مرحله اصلی آن یعنی تحلیل مسئله، بررسی مبانی فلسفی و ارزشی و تحلیل راه‌حل پیشنهادی اشاره کنیم.

مرحله نخست، شامل محورهای بیان مسئله، مروری بر دیدگاه‌ها درباره مسئله و حل آن، پیشینه سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری درباره مسئله، آسیب‌شناسی اقدامات قبلی، توصیف وضعیت موجود و تبیین وضعیت موجود بود که دست‌کم در دو محور بیان مسئله و تبیین وضعیت موجود می‌توان از امکان اثرگذاری مضامین اسلامی سخن گفت.

مرحله دوم، دو محور مبانی فلسفی (انسان‌شناختی، هستی‌شناختی و ارزش‌شناختی) و مبانی هنجاری (مبانی فقهی، مبانی حقوقی، چارچوب مرجع ارزش‌گذاری، نظریه جنسی و چشم‌انداز مطلوب و شاخص‌ها) را در بر می‌گرفت که مضامین اسلامی تقریباً در همه آن‌ها نقشی تعیین‌کننده دارند.

مرحله سوم نیز شامل معرفی و ارزیابی‌های چندجانبه راه‌حل (از نظر دلایل انتخاب و ترجیح راه‌حل پیشنهادی، شناسایی ظرفیت‌های نهادی، سازمانی و مردمی، شناسایی موانع نهادی، سازمانی و مردمی و پیش‌بینی اجرا و پیامدها) بود که هرچند اساساً مبتنی بر روش‌های تجربی و آماری‌اند، گاه تأثیر مضامین اسلامی را در آن‌ها شاهدیم و آن در مواردی است که توضیح دلایل انتخاب یا ظرفیت‌ها یا موانع اجرای راه‌حل، بستگی به توضیح نسبت آن با دیدگاه اسلام دارد.

بر اساس این چارچوب، در ادامه به توضیح چگونگی اثرگذاری مضامین اسلامی در هر یک از نقاط تماس دین و سیاست‌گذاری می‌پردازیم.

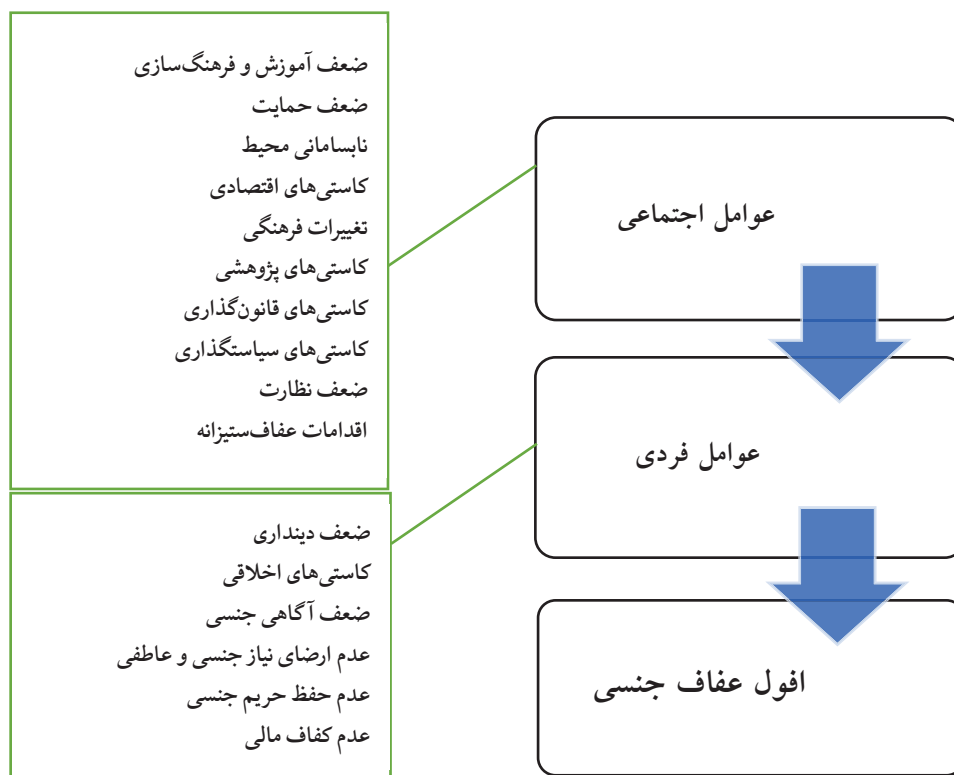
تحلیل مسئله

۱. بیان مسئله

بیان مسئله به‌عنوان نخستین مرحله هر پژوهش معطوف به سیاست‌گذاری، در واقع، تابلوی پژوهش است که دغدغه و دل‌نگرانی اصلی پژوهشگر را به نمایش می‌گذارد و او در ضمن آن می‌کوشد ضرورت ورود به آن عرصه را برای مخاطب مدلل سازد. وی بدین منظور درصدد توضیح مصالح و منافع مورد انتظار یا مفسد قابل اجتناب و یا مخاطرات پیش‌رو در آن عرصه برمی‌آید که این توضیح قهراً در چارچوب نظام اعتقادی و اولویت‌های ارزشی او صورت می‌گیرد و اینجاست که مضامین اسلامی می‌توانند نقش مؤثری در تصویرسازی و صورت‌بندی مسئله ایفا کنند. برای نمونه، بیان اهمیت و جایگاه خانواده در اسلام و اهمیت عفاف به‌عنوان وظیفه‌ای اخلاقی و رفتاری و یکی از ارزش‌های اساسی اسلام که انبوه آیات و احادیث بر آن‌ها دلالت دارند، بخش‌گریزناپذیری از بیان مسئله در طراحی سیاست‌های خانواده یا عفاف و حجاب را تشکیل می‌دهد.

۲. تبیین وضع موجود

برای توضیح وجه ارتباط میان مضامین اسلامی و تبیین وضعیت موجود، ناگزیر از ورود هرچند گذرا به مناقشه علم دینی هستیم. با توجه به اختلاف دیدگاه‌ها در این مسئله، برحسب این‌که موافق کدام یک از دیدگاه‌های مدافع علم دینی باشیم، می‌توان از مضامین اسلامی در تدوین پیش فرض‌ها یا فرضیه‌سازی و یا نظریه‌سازی بهره جست و از این راه‌ها مضامین مزبور را در تبیین وضعیت موجود دخالت داد. با عنایت به همین نکته، در طرح سیاست پژوهی عفاف و حجاب، تبیینی درباره علل افول عفاف جنسی در ایران مطرح شد که ۱۶ عامل اصلی، شامل شش عامل فردی و ده عامل اجتماعی را در بر می‌گرفت. این عوامل که عمدتاً برگرفته یا مُلهم از متون دینی بودند، در نمودار ذیل نشان داده شده‌اند:



نمودار ۳: مدل کلی تبیین افول عفاف جنسی

ناگفته پیداست که مخالفان علم دینی حتی اگر به بهانه اصل عینیت (آبجکتیویته) هیچ نقشی برای مضامین اسلامی در تبیین وضع موجود قائل نباشند و تبیین علمی را امری تماماً تجربی بدانند، می‌توانند اسلامیت سیاست‌ها را در مراحل دیگر فرایند طراحی سیاست جست و جو کنند.

بررسی مبانی فلسفی و هنجاری

۱. مبانی فلسفی

مبانی فلسفی گوناگون، از جمله مبانی انسان‌شناختی، هستی‌شناختی و ارزش‌شناختی، به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر در طراحی سیاست دخالت می‌کنند، گرچه محقق به آن‌ها تصریح نکند یا حتی به آن‌ها التفات نداشته باشد. به طور خاص، اسلام با نگاه ویژه‌ای که در مسائل انسان‌شناختی مانند فطرت، عقلانیت، اراده و تفاوت‌های ایمانی و شخصیتی افراد مطرح می‌کند، می‌تواند به رویکردهای متفاوتی در سیاست‌های مواجهه با کج‌روی‌های جنسی منجر شود.

بر پایه اصل فطرت که قرآن و احادیث بر آن تأکید دارند، ویژگی‌هایی همچون خانواده‌گرایی، حیا و غیرت و برآیند آن‌ها که عفاف جنسی است، به‌عنوان اموری فطری و نقطه مقابل این ویژگی‌ها از جمله همجنس‌گرایی، انحراف از فطرت قلمداد می‌شوند. به این ترتیب، جایی برای رویکردهای برساخت‌گرایانه باقی نمی‌ماند، رویکردهایی که بر سیالیت و تحول‌پذیری مستمر این ویژگی‌ها و مفاهیم حاکی از آن‌ها تأکید می‌کنند. روشن است که نتیجه پذیرش اصل فطرت برای طراحی سیاست، اتخاذ رویکرد عام‌گرایی در مقابل خاص‌گرایی و رویکرد مطلق‌اندیشی در مقابل نسبی‌اندیشی خواهد بود، هرچند این به معنای نادیده گرفتن ویژگی‌های اکتسابی انسان‌ها که موجب تنوع فرهنگی و طبقاتی و نیز تحول فردی و اجتماعی می‌شوند، نیست.

عقلانیت را با قطع نظر از اختلاف در تعریف و تفسیر آن می‌توان از مبانی انسان‌شناختی مشترک میان اکثر قریب به اتفاق رویکردهای نظری و عملی در شرق و غرب به شمار آورد. برای نمونه، رویکرد انتخاب عقلانی از رویکردهایی است که بر محور مفهوم عقلانیت می‌چرخد و این مفهوم را برحسب معادله سود و زیان و انتخاب کم هزینه‌ترین و سودآورترین گزینه از میان گزینه‌های موجود تفسیر می‌کند؛ اما در بینش اسلامی، عقل و عقلانیت دارای مفهومی وسیع‌تر و شامل ابعاد مختلف نظری و عملی از جمله خداجویی و سعادت‌طلبی است، چنان‌که امام صادق (ع) در حدیث معروفی می‌فرماید: «عقل آن چیزی است که به واسطه‌اش خدای رحمان پرستش شود و بهشت به دست آید» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۱، ص ۱۶۱). روشن است که مفروض گرفتن چنین تعریفی از عقل، تأثیری بنیادین بر طراحی سیاست‌ها خواهد داشت؛ چراکه معادله سود و زیان را در فضای معنایی کاملاً متفاوتی

وارد خواهد کرد. برای نمونه، سیاست استفاده ابزاری از زیبایی زن در تبلیغات بازرگانی از منظر لیبرالی و سیاست تأسیس مراکز فحشا از منظر کارکردگرایانه اصولاً سیاست‌هایی عقلانی تلقی می‌شوند، در حالی که اسلام آن‌ها را به‌عنوان سیاست‌های غیرعقلانی و، بلکه ضدعقلانی رد می‌کند.

اراده‌گرایی در برابر جبرگرایی، یکی دیگر از مبانی انسان‌شناختی مؤثر در طراحی سیاست است. در اندیشه فلسفی و کلامی شیعه، اراده و اختیار انسان با استناد به حکم و جدان و به کمک ادله نقلی اثبات می‌گردد و جبرگرایی فلسفی و جبرگرایی کلامی رد می‌شوند (سبحانی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۶۱۱-۶۵۶) که نتیجه آن، رد جبرگرایی روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و محیطی است. بر این اساس، رویکرد منفعلانه در سیاست‌گذاری امر جنسی جایی نخواهد داشت و باید فعالانه و امیدوارانه در جهت گسترش عفاف در جامعه تلاش کرد. نمونه‌ای از نگرش‌های جبرگرایانه که خاستگاه رویکرد منفعلانه است، در دیدگاه برخی صاحب‌نظران مسائل خانواده مشاهده می‌شود که بالا رفتن سن ازدواج در سال‌های اخیر را از ضرورت‌های زندگی شهری جدید و امری گریزناپذیر قلمداد می‌کنند. نتیجه این نگرش جبرگرایانه، نادیده گرفتن نیاز جنسی جوانان در حوزه سیاست‌گذاری و انفعال و تسلیم در برابر آسیب‌های اجتماعی بزرگی است که افزایش سن ازدواج در پی دارد. در مقابل، اراده‌گرایی سیاست‌گذاری در جهت کاهش معقولانه سن ازدواج را ایجاب می‌کند.

اراده‌گرایی از جنبه دیگری نیز بر طراحی سیاست اثر می‌گذارد و آن، جلب توجه سیاست‌پردازان به این نکته است که انسان مختار به‌ویژه انسان غیرمتعبد کنونی که در نتیجه تغییرات سریع و عمیق فرهنگی ناشی از مدرنیته دچار نوعی سیالیت معرفتی و شخصیتی شده، به آسانی زیر بار سیاست‌های حکومتی نمی‌رود و بر این اساس، ممکن است با مقاومت خود موجب شکست سیاست‌های عفاف و حجاب شود.

تفاوت ظرفیت‌های دینی و درجات ایمانی و نیز تفاوت‌های شخصیتی افراد، مبنای دیگری در انسان‌شناسی اسلامی است که از آیات و روایات متعدد استنباط می‌شود. توجه به این نکته، نتایج قابل ملاحظه‌ای برای سیاست‌گذاری‌های فرهنگی به‌ویژه در حوزه امر جنسی در پی دارد و از جمله، مانع از آن می‌شود که برخی نگرش‌های ناموجه یکسان‌انگارانه در روند تصویب یا رد سیاست‌ها مداخله کنند. برای نمونه، به نظر می‌رسد مخالفت بخش‌هایی از اهل نظر و فعالان اجتماعی به‌ویژه بانوان با ازدواج موقت و تعدد زوجات، ناشی از بی‌توجهی به همین نکته است که باعث می‌شود ویژگی‌هایی مانند خویشتن‌داری، عزت نفس و اهتمام به شئونات خانوادگی و اجتماعی را که در خود می‌یابند، به همه افراد تعمیم دهند؛ در حالی که در همین جامعه، افراد فراوانی با ویژگی‌های شخصیتی متفاوت زندگی می‌کنند، به‌گونه‌ای که اگر شرایط مناسبی برای ارضای مشروع نیاز جنسی آنان

فراهم نباشد، آمادگی ذهنی و روحی بالایی برای ارتکاب گناه دارند.

در ارتباط با مبانی هستی‌شناختی، پذیرش اصالت فرد و جامعه، موجب می‌شود در طراحی سیاست‌ها نگاهی دوجانبه و متوازن به عوامل فردی و عوامل اجتماعی داشته باشیم، ضمن آن‌که مفروض گرفتن تقدم ساحت‌های درونی بر ساحت‌های بیرونی که از قرآن کریم برداشت می‌شود (رعد: ۱۱)، اقتضا می‌کند خاستگاه اصلی مسائل اجتماعی را چه در سطح خرد و چه در سطح کلان، تغییرات درونی انسان‌ها قلمداد کرده و این امر را در سیاست‌ها لحاظ کنیم.

مطلق‌گرایی ارزشی به معنای پذیرش ارزش‌های مطلق و عام، در مقابل نسبی‌گرایی ارزشی نیز یکی از مبانی ارزش‌شناختی مؤثر در طراحی سیاست است. بسیاری از اندیشمندان غربی متأخر از نسبی‌گرایی ارزشی جانبداری کرده‌اند که مستلزم انکار معیارهای عقلانی عام برای ارزش‌های اخلاقی و حقوقی است و پیامد آن برای سیاست‌گذاری امر جنسی در غرب، گرایش روزافزون به پذیرش تکثر و تنوع در الگوهای روابط جایگزین خانواده و تساهل هر چه بیشتر نسبت به آن‌ها بوده است؛ اما در مقابل، تأکید قرآن کریم بر خاستگاه فطری ارزش‌های اخلاقی و حقوقی (شمس: ۷-۸)، جایی برای نسبی‌گرایی ارزشی و تکثرگرایی ناشی از آن در سیاست‌پردازی اسلامی باقی نمی‌گذارد.

۲. مبانی هنجاری

در طراحی سیاست‌ها همواره ردپای مبانی و اصول هنجاری را نیز می‌توان مشاهده کرد. بر همین اساس، مجموعه‌ای از آموزه‌ها و احکام هنجاری اسلام بر سیاست‌های مواجهه با کج‌روی‌های جنسی مؤثرند که در قالب شش محور مبانی فقهی، مبانی حقوقی، چارچوب مرجع ارزش‌گذاری، نظریه هنجاری، چشم‌انداز مطلوب و شاخص‌ها به آن‌ها اشاره‌ای خواهیم داشت.

بخش مهمی از مبانی هنجاری مؤثر در طراحی سیاست‌ها به حوزه فقه تعلق دارند و این نکته، ضرورت توجه جدی و عمیق به مباحث فقهی در فرایند سیاست‌پژوهی را مدلل می‌سازد. به‌طور خاص، فقه عفاف جنسی به معرفی رفتارهای غیرعقیده می‌پردازد و شرایط و جزئیات احکام شرعی آن‌ها را بررسی و موارد حرمت، کراهت و جواز آن‌ها را به تفصیل بیان می‌کند. در این قسمت به عناوین کلی این رفتارها اشاره شده است:

عناوین مهم‌ترین رفتارهای غیرعقیفانه

خودارضایی	آواز خوانی شهوت‌انگیز	بی‌حجابی و بدحجابی
ارتباط جنسی با غیرهمسر	استماع صدای شهوت‌انگیز	خودآرایی زن در برابر نامحرم
ارتباط جنسی با حیوانات	استفاده از بوی مهیج نامحرم	نگاه شهوانی به نامحرم
همخوابگی غیرهمسران	لمس بدن نامحرم	نگاه شهوانی به صورت نوجوان
همجنس‌گرایی	دست دادن با نامحرم	عورت‌نمایی
تشبه به جنس مخالف	بوسیدن نامحرم	نگاه به عورت دیگران
خواندن مطالب شهوت‌انگیز	در آغوش گرفتن نامحرم	نگاه شهوانی به عکس نامحرم
ورود به حریم خصوصی دیگران	همنشینی و اختلاط با نامحرم	نگاه شهوانی به فیلم نامحرم
قوادی و قاچاق جنسی	خلوت کردن با نامحرم	ارتباط شهوانی در فضای مجازی
تسبیب بی‌عفتی	ارتباط دوستانه با نامحرم	رقص زن در مقابل مردان
تعاون در بی‌عفتی	رابطه عاطفی با نامحرم	تماشای رقص حرام

مبنای حقوقی نیز جایگاه مهمی در طراحی سیاست‌ها دارند که در اینجا برای نمونه به حق آزادی و حق کرامت انسانی به‌عنوان دو مبنای حقوقی مؤثر بر سیاست‌گذاری عفاف و حجاب اشاره می‌کنیم.

حق آزادی، یکی از حقوق اساسی اسلامی و انسانی است که در قوانین داخلی و بین‌المللی به آن تصریح شده است. با این حال، هم از نگاه دینی که در قانون اساسی و سایر قوانین جمهوری اسلامی و نیز در سخنان امام خمینی (ره) انعکاس یافته و هم از منظر عقلایی که در میثاق‌نامه‌های بین‌المللی جلوه‌گر شده، امکان محدودسازی آزادی‌های فردی در موارد تعارض با مصالح مهم‌تر مفروض گرفته شده است و روشن است که چنین نگاهی به حق آزادی، تأثیری عمده بر طراحی سیاست امر جنسی به جا می‌گذارد.

در مورد حق کرامت باید این نکته را گوشزد کرد که کرامت انسان از منظر اسلام صرفاً یک حق تلقی نمی‌شود تا بتوان از امکان اسقاط حق سخن گفت، بلکه هر فردی علاوه بر داشتن چنین حقی، مکلف است حیثیت و حرمت خویش را حفظ کند و به تعبیر دیگر، حیثیت و کرامت اشخاص هم جنبه حق‌الناسی و هم جنبه حق‌اللهی دارد

(نجفی، بی‌تا، ص ۳۱ و ۳۷۴). بر این اساس، اگر مثلاً زنی با پوشش و آرایش زننده در محیط‌های عمومی ظاهر شود و خود را بی‌آبرو و انگشت‌نمای دیگران کند یا با اختیار و رضایت خود، تصاویر روابط خصوصی‌اش را در فضای مجازی منتشر نماید، صرف رضایت او به بی‌آبرو شدن، مجوز این عمل نخواهد بود.

این نوع نگرش به موضوع کرامت انسان، دست‌کم از دو جنبه بر طراحی سیاست عفاف اثر می‌گذارد: نخست، از جنبه اثباتی موجب اتخاذ سیاست‌هایی معطوف به گسترش عفاف و کاهش اختلاط غیرضروری میان زنان و مردان می‌شود و از این طریق، زمینه مساعدتری برای حفظ و تقویت کرامت انسانی زنان فراهم می‌کند؛ بر خلاف سیاست‌های جنسی در غرب که در پوشش دفاع از آزادی زن، عملاً کرامت و ارزش انسانی او را پایمال کرده و گاه او را تا حد ابزار تبلیغاتی و کالای تجاری تنزل داده‌اند تا آنجا که این مسئله (شیء‌سازی زنان) حتی صدای اعتراض فمینیست‌ها را درآورده است (گرت، ۱۳۸۰، ص ۴۵، ۴۹). دوم، از جنبه سلبی مانع از اتخاذ سیاست‌هایی می‌شود که به کرامت انسانی افراد به‌ویژه زنان آسیب وارد می‌کنند؛ چراکه برحسب آموزه‌های اسلامی، «هیچ کس حق ندارد هتک حرمت مسلمان نماید» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۷، ص ۱۴۱) و حتی کسی که هنجارهای اسلامی یا انسانی را نقض می‌کند، فقط به میزانی که در شرع و قانون مقرر شده، مستحق کیفر خواهد بود و فراتر از آن باید کرامت و احترام او محفوظ بماند.

در ارتباط با چارچوب مرجع ارزش‌گذاری، با توجه به نقش پررنگ ارزش‌گذاری‌ها در طراحی یا انتخاب سیاست‌ها، معمولاً سیاست‌پردازی‌ها با مشکل تزاخم میان ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی روبه‌رو می‌شوند و این امر، تعیین معیاری برای محاسبه وزن اهداف و ارزش‌های متعارض را ضروری می‌سازد. این در حالی است که بیشتر گزینش‌های ارزشی از معیارهای ثابت و مشخص و مبتنی بر یک چارچوب ارزشی مستحکم پیروی نمی‌کنند، بلکه صرفاً تابع ملاحظات موردی و مصلحت‌اندیشی‌هایی هستند که بر پایه برجسته ساختن برخی از ارزش‌ها و نادیده گرفتن ارزش‌های دیگر استوارند و به همین دلیل، بسیار اتفاق می‌افتد که در موقعیت‌های مشابه، گزینش‌های ارزشی متفاوت یا حتی متضادی صورت می‌گیرند و ریشه بسیاری از اختلاف‌نظرهای سیاست‌گذاران نیز به همین نکته بازمی‌گردد.

ازاین‌رو، در طراحی سیاست اسلامی به‌طور عام و سیاست‌پژوهی عفاف به‌طور خاص، زمانی به نقطه مطلوب می‌رسیم که بتوانیم بر پایه متون دینی، چارچوب جامع و سلسله‌مراتبی ارزش‌ها و اهداف اجتماعی را تدوین کنیم، چارچوبی که نسبت این ارزش‌ها با یکدیگر و وزن هر کدام از آن‌ها را مشخص می‌کند و در نتیجه، مشکل نسبیّت و ضابطه‌مند نبودن گزینش‌های سیاست‌گذارانه در نظام اسلامی را تا حد زیاد مرتفع می‌سازد. اصول ذیل که از متون دینی به دست آمده‌اند، بخشی از اصول حاکم بر ترجیحات ارزشی مؤثر در سیاست‌های عفاف و حجاب به شمار می‌آیند:

- اصل تقدم حفظ نظام اسلامی بر حفظ سایر احکام و ارزش‌های دینی؛

- اصل تقدم ارزش‌های معنوی بر ارزش‌های مادی؛
- اصل تقدم خانواده‌محوری بر فردمحوری؛
- اصل تقدم منافع جمعی بر منافع فردی؛
- اصل تقدم حفظ بعض مصلحت بر ترک کل مصلحت؛
- اصل تقدم ازدواج دائم بر ازدواج موقت؛
- اصل تقدم ازدواج موقت بر روابط جنسی نامشروع؛
- اصل تقدم بی‌عفتی‌های کوچک بر گناهان و بی‌عفتی‌های بزرگ؛
- اصل مبغوضیت شدیدتر همجنس‌بازی نسبت به زنا.

طراحی سیاست به‌طور کلی منوط به تدوین نظریه‌های هنجاری^۱ افزون بر نظریه‌تبینی است. تعبیر نظریه‌های هنجاری در چند معنا به کار می‌رود که در اینجا مقصود از آن، دیدگاه فلسفی یا ارزشی یک صاحب‌نظر درباره‌ی وضعیت مطلوب یا همان آرمان‌های اجتماعی است که یکی از محورهای اصلی مباحث فلسفه‌ی اجتماعی و سیاسی را تشکیل می‌دهد. چارلز تیلور به همین معنا اشاره دارد آنجا که تعبیر نظریه‌ی سیاسی هنجاری^۲ را مترادف با فلسفه‌ی سیاسی و در مورد دیدگاه‌های متفکرانی همچون افلاطون، ارسطو، هابز، روسو، هگل و مارکس به کار می‌برد (تیلور، ۱۹۷۳، ص ۱۴۴، ۱۴۶).

به‌هرحال مفهوم نظریه‌ی هنجاری در مباحث مربوط به کج‌روی جنسی بر مفهوم نظریه‌ی جنسی انطباق می‌یابد. نظریه‌ی جنسی، نظریه‌ای تجویزی است که مدل مطلوب ارضای نیاز جنسی بر آن استوار می‌شود. چنین نظریه‌ای در سطح انتزاعی، از پاره‌ای مبانی انسان‌شناختی، حقوقی و در خصوص اسلام، احکام فقهی قابل استنتاج است و در سطح انضمامی، افزون بر موارد یادشده، به انطباق‌پذیری با اوضاع عینی جامعه بستگی دارد.

نقش مضامین اسلامی در طراحی چشم‌انداز مطلوب نیز کاملاً واضح است. در خصوص چشم‌انداز مطلوب زندگی عقیفانه می‌توان با نگاهی واقع‌گرایانه و بر پایه‌ی آموزه‌های اسلامی، وضعیت مطلوب جمهوری اسلامی ایران در زمینه‌ی عفاف و حجاب را شکل‌گیری جامعه‌ای دانست که در آن اهداف هفت‌گانه‌ی ذیل تحقق یافته باشند:

۱. عفاف به‌عنوان ارزشی بنیادین و بی‌عفتی به‌عنوان ضد ارزش قلمداد شود؛

1. normative theory.

2. normative political theory.

۲. انسان‌های خواهان زندگی و رفتار عقیفانه، با هیچ مانعی در این خصوص مواجه نباشند؛
 ۳. اصولاً هیچ رفتار غیرعقیفانه‌ای در حوزه‌ها و اماکن عمومی واقع نشود؛
 ۴. هرگونه رفتار غیرعقیفانه در اماکن عمومی، واکنش‌های غیررسمی و مجازات‌های قانونی بازدارنده در پی داشته باشد؛
 ۵. ازدواج و خانواده از حیث نظری و عملی، ارزشمند تلقی شده و از استحکام بالایی برخوردار باشند؛
 ۶. رفتار جنسی صرفاً ذیل نهاد ازدواج - دائم یا موقت - تأیید شود و فراتر از آن فاقد مشروعیت باشد.
 ۷. آحاد جامعه - اعم از مرد و زن - هیچ‌گاه از جهت امکان ارضای مشروع نیاز جنسی در تنگنا نباشند.
- سرانجام، در محور شاخص‌ها، از آنجا که اجرای دقیق و ارزیابی سیاست‌های پیشنهادی در جهت تحقق وضعیت مطلوب عفاف، نیازمند تعیین شاخص‌ها و نشانگرهایی برای اهداف هفت‌گانه در سطح عملیاتی است، می‌توان بر اساس یافته‌های مباحث فقه عفاف، شاخص‌های ذیل را به‌عنوان مهم‌ترین شاخص‌ها مطرح کرد:

شاخص‌های جامعه عقیفانه

شاخص‌های کنشی	شاخص‌های شناختی - نگرشی
<p>فراوانی و میانگین سن ازدواج</p> <p>فاصله زمانی احساس نیاز جنسی و ارضای مشروع آن</p> <p>میزان محرومیت جنسی در جامعه</p> <p>میزان گسترش حیا و غیرت در جامعه</p> <p>روابط عاطفی و جنسی رضایت بخش میان همسران</p> <p>نبود جاذبه‌سازی‌های جنسی در جامعه و در رسانه‌ها</p> <p>میزان تربیت عقیفانه در خانواده، مدرسه و رسانه</p> <p>میزان ارتکاب رفتارهای غیرعقیفانه (به تفکیک)</p> <p>میزان نظارت رسمی و عمومی بر رفتارهای غیرعقیفانه</p>	<p>میزان آشنایی با ارزش‌ها و احکام شرعی عفاف</p> <p>میزان ارزشمندی حیا و سرزنش بی‌حیایی</p> <p>میزان ارزشمندی غیرت و سرزنش بی‌غیرتی</p> <p>میزان ارزشمندی ازدواج و خانواده</p> <p>میزان سرزنش عمومی تجردگزینی</p> <p>میزان پذیرش عمومی الگوی معیار چندهمسری</p> <p>میزان پذیرش عمومی الگوی معیار ازدواج موقت</p> <p>میزان پذیرش عمومی الگوی معیار ازدواج مجدد</p> <p>میزان سرزنش عمومی رفتارهای غیرعقیفانه (به تفکیک)</p>

تحلیل راه حل

در مباحث سیاست پژوهی، تحلیل راه حل جنبه‌های مختلفی را شامل می‌شود که از جمله آن‌ها می‌توان به بیان

ظرفیت‌ها و موانع اجرای یک سیاست و بیان دلایل ترجیح آن بر سیاست‌های رقیب اشاره کرد (ماژرزاک، ۱۳۹۲، ص ۵۹-۷۸). طبعاً در فرآیند سیاست‌گذاری با رویکرد اسلامی، توضیح دلایل انتخاب و ترجیح یک سیاست بر سیاست‌های رقیب و بیان ظرفیت‌ها و موانع اجرای یک سیاست، بستگی به توضیح نسبت آن با دیدگاه اسلام دارد.

برای نمونه، اهمیت و اولویت سیاست‌های تعلیمی و تربیتی در جهت ساماندهی امر جنسی با شواهد قرآنی و حدیثی نیز قابل تأیید است. صرف نظر از گزاره‌های فراوان متون دینی در این زمینه، کافی است به این نکته توجه شود که در آیات فراوانی از قرآن کریم، تزکیه، تعلیم کتاب و حکمت، موعظه، تبشیر و انذار، به‌عنوان برجسته‌ترین ویژگی‌های پیامبران الهی به‌ویژه رسول اکرم (ص) معرفی شده‌اند. از این گذشته، سیره عملی رسول خدا (ص)، الگویی واقعی برای اجرای موفقیت‌آمیز این سیاست در اختیار ما قرار داده است، الگویی که باعث شد ارزش‌های عفاف و حجاب از سوی اکثریت مسلمانان صدر اسلام پذیرفته و درونی شوند و در عمل نیز تحقق یابند تا جایی که بسیاری از ناقضان هنجارهای جنسی، خود برای اجرای حکم مجازات به آن حضرت یا خلفای پس از ایشان مراجعه می‌کردند.

هم‌چنین هنگامی که به بیان موانع اجرای یک سیاست می‌پردازیم، می‌توانیم تأثیر مضامین اسلامی بر تحلیل سیاست را مشاهده کنیم؛ مانند زمانی که ناسازگاری با آموزه‌های اسلامی را به‌عنوان مانعی در برابر اجرای سیاست‌های غربی آموزش جنسی مطرح می‌کنیم.

نتیجه‌گیری

دغدغه‌ای که در این مقاله دنبال شد، پاسخ دادن به این پرسش بود که اگر قرار بر طراحی سیاست با رویکرد اسلامی باشد، چه الزاماتی از نظر روش‌شناسی باید رعایت شوند؟ بدین منظور تلاش شد با بهره‌گیری از تجارب به دست آمده در خلال اجرای طرح پژوهشی سیاست پژوهی عفاف و حجاب در ایران، تصویر روشنی از ملزومات روش شناختی طراحی سیاست‌های اسلامی در مواجهه با آسیب‌های اجتماعی ارائه گردد. بدین منظور، سه مرحله اصلی فرایند طراحی سیاست یعنی تحلیل مسئله، بررسی مبانی فلسفی و هنجاری و تحلیل سیاست پیشنهادی تفکیک شدند و چگونگی اثرگذاری مضامین اسلامی در هر یک از این مراحل با ذکر نمونه توضیح داده شد. در مرحله نخست، دو محور بیان مسئله و تبیین وضعیت موجود، در مرحله دوم، دو محور مبانی فلسفی و مبانی هنجاری و در مرحله سوم، توضیح دلایل ترجیح یا ظرفیت‌ها و موانع اجرای سیاست پیشنهادی، مهم‌ترین نقاطی بودند که می‌توان از امکان اثرگذاری مضامین اسلامی در آن‌ها در خلال فرایند طراحی سیاست سخن گفت.

به این ترتیب می‌توان دستاورد این مقاله را معرفی یک مدل راهنما برای سیاست پژوهانی دانست که به طراحی سیاست با رویکرد اسلامی علاقه‌مندند، ضمن آن‌که این چارچوب به سیاست‌گذاری در حوزه آسیب‌های اجتماعی اختصاص ندارد و در سایر حوزه‌ها نیز قابل پیگیری است.

منابع

- قرآن کریم.
- امام خمینی، سید روح‌الله، (۱۳۸۹). *صحیفه امام* (۲۲ جلد)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- بستان نجفی، حسین، (۱۳۹۰). *گامی به سوی علم دینی (۲): روش بهره‌گیری از متون دینی در علوم اجتماعی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- حرّ عاملی، محمد بن الحسن، (۱۴۰۹ ق)، *وسائل الشیعه* (۳۰ جلد)، قم: مؤسسه آل‌البیت (علیهم السلام).
- سبحانی، جعفر، (۱۴۰۹ ق)، *الالهیات* (۲ جلد)، بیروت: الدار الاسلامیه للطباعة و النشر و التوزیع.
- گرت، استفانی، (۱۳۸۰)، *جامعه‌شناسی جنسیت*، ترجمه کتابون بقایی، تهران: نشر دیگر.
- ماژرزاک، آن، (۱۳۹۲)، *پژوهش و سیاست‌گذاری*، ترجمه هوشنگ نایی، تهران: نشر نی.
- ملک‌محمدی، حمیدرضا، (۱۳۹۴)، *مبانی و اصول سیاست‌گذاری عمومی*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
- Bunge, Mario (1998). *Social Science under Debate: A Philosophical Perspective*, Toronto: University of Toronto Press.
- Taylor, Charles (1973). "Neutrality in Political Science", Alan Ryan (ed.), *The Philosophy of Social Explanation*, London: Oxford University Press.